

سیده جلیله فاطمه معصومه(س)



پژوهشگر
دکتر مهدی یار احمدی خراسانی

سیده جلیله فاطمه معصومه^(س) از بانوان متقی و والامقام خاندان پیامبر اعظم^(ص) هستند که به مقام‌های ارزشمند علمی و معنوی دست یافتند و الگویی کامل برای زنان و مردان در تمام دوران‌ها هستند. ایشان درمیان علما و فقهای شیعه با لقب «کریمه اهل بیت^(ع)» یاد می‌شوند. از میان بانوان خاندان عصمت و طهارت، این نام پسندیده تنها به ایشان نسبت داده شده است. درمیان فرزندان هفتمین امام شیعیان بعد از امام‌رضا^(ع)، فردی هم‌شان این خانم نیست. روایت‌های شیعی، مقام‌هایی را برای فاطمه معصومه^(س) برشمرده‌اند؛ مقامی که نظیر آن، برای دیگر برادران و خواهران آن بانو ذکر نشده و به این ترتیب، نام مبارک حضرت در شمار زنان برتر تاریخ قرار گرفته است.

ایشان در یکم ذی‌القعدة سال ۱۷۳هجری قمری در شهر مدینه دیده به جهان گشوند. والدین بزرگوارشان امام هفتم، حضرت موسی‌بن جعفر^(ع) و نجمه‌خاتون^(س) هستند. خداوند متعال بعد از ۲۵سال از میلادتنهافرزندنجمه‌خاتون - حضرت رضا^(ع) - این دختر بزرگوار را به وی عطا کرد. امام هشتم شیعیان، حضرت رضا^(ع)، یک‌سال پس از هجرت به سرزمین توس، نامه‌ای خطاب به خواهر بزرگوارشان نوشتند و فاطمه معصومه^(س) پس از اخذ نامه برای ادای رسالت زینبی با کاروانی از امامزاده‌ها، شامل نوادگان امام حسن^(ع) تا فرزندان امام موسی‌کاظم^(ع) به طرف خراسان حرکت کردند. در نامه امام‌رضا^(ع) خطاب به خواهرشان آمده بود «فورا با اهل بیت به سمت ایران حرکت کن! درحالی‌که هرچاهم مردم جمع کردند، برایشان سخنرانی کن و حدیث بخوان!». درحالی‌که مردان زیادی در کاروان بانو فاطمه معصومه^(س) بودند، ایشان به‌عنوان کاروان سالار، نقش‌آفرینی می‌کردند و در طول مسیر هرجا جمعی بود، احادیثی با مفاهیم ولایت‌مداری می‌خواندند تا مردم را با جایگاه آسمانی امامت آشنا سازند.

این سفر نقش مهمی در روشنگری تاریخ شیعه دارد؛ زیرا درحالی‌که خواص دریافته بودند هجرت امام هشتم^(ع) و پذیرش ولایتعهدی نوعی تبعید است، عوام از سیاست‌های منافقانه مأمون اطلاعی نداشتند و حرکت خواهر امام، اثرات درخورتوجهی بر آگاهی بخشی مردم گذاشت. مأمون ملعون که از نیت این سفر آگاه شده بود، با اقداماتی مانع تحقق رسالت حضرت شد، به‌گونه‌ای‌که عمال وی در شهر ساوه با کاروان بانو درگیر شدند و با ناچوانمردی، بیشتر مردان ازجمله همه برادران ایشان را به شهادت رساندند. بنا به قولی به‌دلیل اثرات روحی این حادثه و بنا به روایتی دیگر به‌دلیل مسمومیت، حضرت معصومه^(س) به‌شدت بیمار شدند، به‌صورتی‌که ادامه سفر برای ایشان میسر نبود و دستور دادند ایشان را به شهر قم منتقل کنند. پس از ورود به شهر قم، حضرت به منزل موسی‌بن خرزج رفتند و هفده روز در این شهر در حالت رازونیزا وعبادت زندگی کردند. درنهایت در دهم ربیع‌الثانی سال ۲۱هجری قمری دار فانی را وداع گفتند و شیعیان و دوستداران اهل بیت^(ع) را در اندوه فقدان خود به سوگ نشاندند.

حضرت معصومه^(س) مأنوس با عبادت و از آیش به گناه و پلیدی، به دور بودند و عصمت مادرشان فاطمه^(س) در ایشان تجلی یافته بود. دختر امام موسی‌بن جعفر^(ع) نمونه‌ای حسنه از زنان به‌کمال رسیده و سیده‌ای جلیله هستند که قبر مطهرشان امروز مزار و مطاف میلیون‌ها مسلمان شیعه از سراسر جهان است. براساس اسناد معتبر شیعی، مهم‌ترین دلایل مقام‌های معنوی حضرت فاطمه معصومه^(س) عبارتند از: ایمان و عمل صالح، محدثه بودن، مقام عظمای شفاعت، وجود فضایل نفسانی و ملکات فاضله و کرامات آشکار، برپایه برخی روایت‌ها لقب معصومه «امام هشتم^(ع)» به این بانوی بزرگوار عطا کردند. علامه مجلسی در این‌باره می‌گوید: «امام‌رضا^(ع) در جایی فرمود: هرکه معصومه را در قم زیارت کند، مانند کسی است که مزایارت کرده است». بالاترین جایگاه شفاعت، از آن رسول گرامی اسلام^(ص) است که در قرآن کریم از آن به «مقام محمود» تعبیر شده و گسترده‌گی آن با جمله بلند «ولسوف یعطیک ربک فکتری» بیان شده است؛ «همانا دو تن از بانوان خاندان رسول مکرم، شفاعت گسترده‌ای دارند که بسیار وسیع و جهان‌شمول است و می‌تواند همه اهالی محشر را فراگیرد؛ اول، خاتون محشر، صدیقه اطهر، حضرت فاطمه زهرا^(س) و دوم، شفیه روز جزا، حضرت فاطمه معصومه^(س).

هجرت خورشید

مروری کوتاه بر سفر طولانی امام‌رضا^(ع) از مدینه به مرو

نیلوفر نویدی! وقت هجرت بود، به همه اعضای خانواده‌اش گفت همه به بدرقه‌ام بیایید. بار آخر است که همدیگر را در این دیار می‌بینیم. دلم برایتان تنگ می‌شود. مواظب خودتان باشید! دیدار بعدی ما قیامت است. مرا ببینید و برابرم اشک بریزید. بعد به جوادش نگاهی دیگر انداخت: «بابا! تو رایک بار دیگرم می‌بینم... همان آخرها... خبرت می‌کنم...». او امام است. همه کارهایش معنا دارد. گفت که مجبور است به سفر غربت برود؛ سفری که دوستش ندارد، عشق به دنیا و حکومت و خلافت ندارد. او امام است....

سال‌های ابتدایی؛ امام‌رضا^(ع) در سال ۱۸۳قمری و پس از شهادت امام موسی کاظم^(ع) به مقام امامت رسیدند؛ هرچند که راهنمایی و هدایت شیعیان در سال‌های پایانی و زمانی که امام موسی‌کاظم^(ع) در زندان بودند نیز، برعهده ایشان بود؛ زیرا در آن زمان امام موسی‌کاظم^(ع) با شیعیان و محبانشان، هیچ ارتباطی نداشتند. امامت امام‌رضا^(ع) بیست‌سال به‌طول انجامید که «سال ابتدایی این مدت، هم‌زمان با ادامه حکومت هارون الرشید بود. هارون، امین‌راکه مادری عرب‌داشت، به‌ولیعهدی خود انتخاب کرد و پس از آن با مأمون و سرانجام، با پسر دیگرس قاسم، قرار حکومت گذاشت؛ البته او این قول را به مأمون داد که اگر خواست، پسر خودش را به‌جای قاسم، ولیعهد خود کند.

خلافت امین؛ هارون الرشید، ۳۳سال حکومت کرد. سرانجام وی در لشکرکشی به خراسان، کشته شد و امین جای پدر را گرفت. امین فردی فاسد و عیاش بود و توانایی اداره سرزمینش را نداشت. علاوه بر این، بین او و مأمون نیز بر سر خلافت دعوا بود. یکی از تصمیم‌های امین در زمان خلافتش، عزل مأمون از مقام ولیعهدی بود که در این زمان، مأمون لشکری را برای جنگ به‌سمت او فرستاد. مأمون در این جنگ پیروز شد و پس از کشتن امین، خود بر جایگاه خلافت نشست.

پنج سال حکومت امین و وجود اختلاف بین این دو برادر، فرصت خوبی برای امام‌رضا^(ع) بود تا بتواند به‌خوبی به تبلیغ و گسترش دین اسلام در مدینه و حتی کوفه و بصره بپردازد. کوفه محل عاشقان امام و مسلمانان اهل تشیع و تسنی بود که امام را دوست داشتند. اما اهالی بصره، ناصبی بودند و با ولایت امام مشکل داشتند. حضور حضرت در کوفه، باعث گرم‌تر شدن دوستی و مودت و اوضاع مسلمین شد و در بصره نیز به تشکیل مباحث و مناظرات علمی بسیاری انجامید.

خلافت مأمون؛ حدود دو سال طول کشید تا مأمون بتواند اوضاع آشفته حکومتش را سامان دهد. بعد از آرام شدن اوضاع حکومت، توجه او به سمت امام‌رضا^(ع) جلب شد. مذهب شیعه که از از زمان امام محمد باقر^(ع) به بعد توانسته بود جایگاهش را کم‌کم محکم کند، در زمان امام موسی‌کاظم^(ع)، یک مذهب رسمی شناخته می‌شد و خلفای عباسی به‌خوبی درک کرده بودند که حضور آزادانه امام در جامعه، سبب نابودی حکومتشان است، از این‌رو هارون، امام‌کاظم^(ع) را زندانی کرد و مأمون نیز، امام‌رضا^(ع) را به مرو فراخواند.

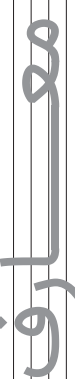
ترک مدینه؛ هجرت امام‌رضا^(ع) از مدینه به مرو در سال ۲۰۰، ۲۰۱قمری مصادف با سال ۱۹۵، ۱۹۶هجری شمسی بوده است. حضرت در تاریخ ۱۵ محرم (۲۷ مرداد) مجبور به ترک مدینه و حرکت به سوی مرو، از مسیری خاص که مأمون تعیین کرده بود، شدند. مسیر ایشان تا رسیدن به مرو طولانی بود. در این مسیر، امام^(ع) از مدینه به بصره و سپس به اهواز، فارس، یزد، نیشابور، توس و سرخس گذر کردند و سرانجام در تاریخ ۲۹ جمادی الثانی (۱۷ بهمن) به مرو رسیدند.

در طی این مسیر و در هر کدام از این گذرها، کاروان توقفی چند روزه می‌کرد که بیشترین زمان این توقف در شهر نیشابور بوده است. در این مدت، مأموران به‌شدت مراقب امام بودند تا مردم نتوانند با ایشان ارتباطی برقرار کنند، اما نور وجود امام در تمام این شهرها و گذرگاه‌ها بر دل مردم تابیده و دل‌های آنان را روشن کرده بود.



شهر
۴شنبه
۲۹ شوال ۱۴۴۵
شماره ۱۴

۱۴



آنچه باید درباره شأن دختران در باورهای دینی بدانیم

برکتی به نام دختر

حمیده ذاکری! در جامعه ما محبت کردن به دختران و فرزندان دختر، امری دور از ذهن نیست و در باورهای دینی ما، میان جنس مذکر و مؤنث، پسر و دختر، فرقی گذاشته نشده است و آنچه ملاک سنجش است، در یک نگاه کلی «تقوا» است. قرآن کریم خطاب به مردان و زنان می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرمای‌ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست. خداوند، دانا و خبیر است». یعنی معیار خوب و بد بودن، «قرب» و «بعد» الهی است و در این باره هیچ فرقی میان انسان‌ها از نظر جنسیت نیست، اما در مورد شأن دختران به‌ویژه روایاتی وجود دارد که مطابق آن‌ها، دختر دارای مقام و منزلت در نزد خداوند است، به‌مناسبت میلاد باسعادت حضرت فاطمه معصومه^(س) در روزهای آینده، بانویی که شفاعت گسترده‌ای و ویژه شیعیان اهل بیت^(ع) دارند و بشارت میلادشان را امام‌صادق^(ع) به شیعیان داده بودند و همچنین به‌منظور گرامیداشت روز دختر، متون احادیث و منابر رعاظ را مرور کرده‌ایم.

فرزند دختر در کلام پیامبر^(ص) و ائمه اطهار^(ع)

باشند، هر روز دوازده پرکت از آسمان بر آن خانه نازل می‌شود و رفت و آمد ملائکه از آن خانه قطع نمی‌شود و برای پدر خانواده در هر شب و روز، عبادت یک سال را می‌نویسند. (جامع الاخبار، سبزواری، ص ۲۸۵).
● در حدیثی نقل شده است که به رسول گرامی اسلام^(ص) خبر دادند خداوند به وی دختری عطا کرده است. حضرت نگاهی به اصحابش کرد. آثار ناخشنودی را در چهره آنان نمایان دید. لذا فرمود: این چه حالتی است که در شما می‌بینم؟ خداوند گلی به من داده است که آن را می‌بویم و اگر نگران روزی او هستید) روزی او با خداست. (وسائل‌الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۰۲).
● آن حضرت در برخورد با دخترش فاطمه^(س) همگان را به حیرت وامی‌داشت. دست‌دخترش فاطمه را می‌بوسید و می‌فرمود، پدرش فدای او باد! (امالی، صدوق، ص ۱۴۱).
● منای که پیامبر^(ص) عازم سفر بودند، فاطمه^(س) آخرین فردی بود که پیامبر از ایشان خدا حافظی می‌کردند و در بازگشت نیز زودتر از هر شخصی به دیدن وی می‌رفتند و می‌فرمودند: «بوی

به انگشتان سبابه و وسطی) درکنار یکدیگر خواهیم بود. راوی پرسید: «ای رسول خدا! اگر دو نفر سرپرستی شوند، چه؟» فرمودند: «همان پاداش را دارد». راوی پرسید: «اگر یک نفر سرپرستی شود، باز هم همان پاداش را دارد؟» فرمودند: «آری». (بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۰).
● هدایا را درمیان فرزندان به عدالت تقسیم کنید. اگر من می‌خواستم فضیلتی را (در تقسیم هدیه میان دختر و پسر) در نظر بگیرم، دختران را (در دادن هدیه) مقدم می‌داشتم. (نهج‌الفصاحه، ح ۱۷۲۸).
● چه فرزند خوبی است دختر؛ هم بر محبت است، هم کمک‌کار، هم مؤنس است و هم پاک و پاک‌کننده. (بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۹۸).
● چون شب معراج از سدره‌المنتهی گذشتم، از جانب پروردگار خطاب آمد: «ای محمد! به دختر داراها بگو بر این نونهالان، غمگین و دلتنگ نباشند، من همان‌گونه‌که آنان را آفریدم، خود روزی شان را می‌دهم». (وسائل‌الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۰۳).
● خانه‌ای که در آن دخترانی حضور داشته

پیامبری که دست دخترش را بوسید

فرموده‌اند: «دختر، حسنه و پسر، نعمت است و خداوند روز قیامت از نعمت‌هایی که داده است، سؤال می‌کند ولی از حسنه سؤال نمی‌کند» و این به آن معنی است که نفس دخترداری، عبادت و عمل صالح است. از ویژگی‌های حضرت معصومه^(س)، مقام عفاف ایشان است. آن بانو هفده روز در قم بودند و بستگانی در قم نداشتند و موسی‌بن خرزج خانه خود را در اختیار حضرت قرار داده بود، ولی هیچ فردی نوشته است که چهره ایشان را کسی دیده باشد؛ زیرا همواره در حجاب و عتف بودند.

حجت الاسلام والمسلمین رفیعی

دختر، هدیه الهی

از دختر بدش بیاید، انسان بدی است و در خط اسلام نیست، روایت داریم اگر هدیه‌ای خریدید، اول آن را به دختر بدید. در بعضی مسجدها، دوسوم مسجد را به آقایان اختصاص می‌دهند و یک‌سوم مسجد را به خانم‌ها اختصاص می‌دهند. در بعضی مسجدها خانم‌ها را به طبقه بالا می‌فرستند و این ظلم است؛ زیرا بارداری در خانم‌هاست و پادر در خانم‌ها بیشتر است. در نماز جمعه‌ای دیدم که همه قالی‌ها در قسمت آقایان است و خانم‌ها روی موکت نشسته‌اند. من به آقایان گفتم همه بایستید و تعدادی از قالی‌ها را به قسمت خانم‌ها بدیدید. اگر ما عمل کنیم، بهتر از این است که حرف بزنیم، باید نام دخترها با کرامت برده شود. روایت داریم که اگر فردی دختری را شاد کند، مثل این است که از نسل اسماعیل^(ع)، برده‌ای را آزاد کرده است؛ یعنی لبخند دختر این قدر ارزش دارد.

حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

تعالیم کارساز دین درباره دختران

با توسل و از پاشنه خانه به بیرون با علی^(ع)، سومین تعبیر آموزه‌های دینی درباره دختران و زنان. برخورداری از باطن نجیب است؛ چنان‌که در همه دنیازن با طنا و فطرتا حیا دارد و به پوشیدگی علاقه‌مند است و سرانجام آنکه آموزه‌های دینی برای دختران و زنان، تعبیر شخصیت شریف را به‌کار می‌برند؛ شخصیتی که محبت و احترام را می‌طلبد و بدون این محبت و احترام، پژمرده و افسرده می‌شود. با وجود داشتن چنین نسخه و راهنمایی، ما در دنیای امروز دچار افراط و تفریط هستیم. عده‌ای زن و دختر را همچون عصر جاهلیت، اسیر حقیر و کوچکی می‌شمارند و عده‌ای دیگر همچون غربی‌ها، چنان جنس زن و دختر را آزاد گذاشته‌اند که در معرض انواع سوءاستفاده قرار می‌گیرند، این درحالی است که اسلام، هم با افراط و هم با تفریط مخالف است. هم تحقیر دختر را بر نمی‌تابد و هم آزادی بی‌قید و شرط او را که در معرض سوءاستفاده قرارش می‌دهد، نکوشش ورد می‌کند.

حجت الاسلام والمسلمین ماندگاری



بهشت را از دخترم فاطمه استمşam می‌کنم».

● (فرائد السمطين، ج ۲، ص ۶۱).
● امام‌صادق^(ع) فرمود: پسران، نعمت خداوند هستند ولی دختران، حسنات الهی‌اند. خداوند از نعمت سؤال می‌کند و به حسنات پاداش می‌دهد. (وسائل‌الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۶۷).
● هنگامی که دختری به دنیا می‌آید، خداوند فرشته‌ای را مأمور می‌کند تا بال خود را بر سر و سینه نوزاد دختر بگستراند و بگوید: او دختری ناتوان و ضعیف است؛ هرکه او را کمک کند، تا روز قیامت مورد توجه خداوند خواهد بود. (وسائل‌الشیعه، ج ۲۱، ص ۱۰۵).
● امام‌رضا^(ع) می‌فرماید: خداوند بر زنان و دختران، مهریان‌تر است تا بر مردان و پسران. (وسائل‌الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۰۴).
● یحیی‌بن زکریا، از اصحاب امام‌هادی^(ع)، نامه‌ای به آن حضرت نوشت و عرض کرد: همسرم باردار است؛ دعا کن خداوند پسری روزی ام کند! امام در پاسخ او نوشت: «چه بسا دختری که از پسر بهتر است!» (سفینه البحار، ج یک، حرف «باء»).



حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

